



چگونه امام محمدباقر(ع) مانع تحریف اسلام شد

استاد حوزه و دانشگاه با نگاهی تحلیلی به زندگی علمی و مبارزاتی امام محمدباقر(ع) گفت: اگر ایشان با انحرافات فکری و دینی مقابله نمی‌کرد، امروز معلوم نبود چه برداشتی از اسلام باقی می‌ماند.

استاد حوزه و دانشگاه با نگاهی تحلیلی به زندگی علمی و مبارزاتی امام محمدباقر(ع) گفت: اگر ایشان با انحرافات فکری و دینی مقابله نمی‌کرد، امروز معلوم نبود چه برداشتی از اسلام باقی می‌ماند.

ایکنا-مجید زجاجی استاد حوزه و دانشگاه در روزگار غربت حقیقت و طغیان تحریف، مردی از تبار نور، قدم به میدان گذاشت؛ نه با شمشیر، که با کلام؛ نه با خشم که با علم. امام محمدباقر(ع)، پنجمین فروغ ولایت در برهه ای حساس از تاریخ اسلام، با شکافتن پرده های جهل و انحراف، نهضتی علمی، فرهنگی و اعتقادی بنیان گذاشت که تا امروز در سپهر شیعه می درخشد. ایشان در کوران فتنه های بنی امیه، حقیقت دین را از گزند تحریف حفظ کرد و با تربیت شاگردان و پایه گذاری مکتب علمی اهل بیت(ع)، میراث گرانبهائی برای آیندگان برجای گذاشت. در گفت وگویی خبرنگار ایکنا از اصفهان با مجید زجاجی، استاد حوزه و دانشگاه با نگاهی ژرف، ابعاد گوناگون زندگی، امامت و مبارزات علمی و فکری امام محمد باقر(ع) را واکاوی می کنیم و نشان می دهیم که چرا این امام بزرگوار، شکافنده علوم و پرچم دار تمدن ناب علوی در روزگار خفقان بود. در ادامه، شماره نخست این گفت وگو را می خوانیم.

ایکنا - درباره جایگاه خانوادگی امام محمدباقر(ع) و نسب ایشان چه نکاتی قابل توجه است؟

ایشان فرزند امام سجاد(ع) و مادرشان بانویی به نام فاطمه، دختر امام حسن مجتبی(ع) بود که او را «ام عبدالله» نیز می خواندند؛ از این رو به امام باقر(ع) لقب «ابن الخیرتین» یا «علوی بین علویین» داده اند، چراکه هم از جانب پدر و هم از جانب مادر به خاندان علوی منسوب بود.

دوران امامت ایشان حدود ۱۹ سال و دو ماه به طول انجامید و در ۵۷ سالگی، به دستور هشام بن عبدالملک، از طریق خوراندن سم به شهادت رسید. اگر این مدت امامت را از عمر مبارک شان کم کنیم، درمی یابیم که بخش زیادی از عمر شریف شان را در دوران پدر بزرگوارشان، امام سجاد(ع) سپری کرده و درواقع، در حادثه کربلا حضور داشت.

طبق نقل های تاریخی، امام محمد باقر(ع) در واقعه عاشورا چهار یا پنج ساله بود؛ بنابراین می توان گفت که ایشان از لحاظ فیزیکی و معنوی، یادگار حادثه کربلا بود. امام پس از شهادت، در کنار مرقد پدر بزرگوارشان در بقیع دفن شد. بعدها گنبد و بارگاهی برای چهار امام همام و برخی از صحابه و بزرگان دینی ساختند؛ اما متأسفانه در قرون اخیر، به سبب تفکر نادرست وهابیت، قبور ائمه(ع) تخریب و از این نظر، دل شیعه خون است که چنین جفا و بی احترامی در حق امامانش روا داشته شد. ایکنا - لقب «باقرالعلوم» از کجا آمده است و چه مفهومی در دل خود دارد؟

امام پنجم به «باقرالعلوم» معروف است. چنانکه شیخ صدوق روایت کرده، شخصی از جابر بن یزید جعفی پرسید: چرا به ایشان لقب «باقر» داده اند؟ او پاسخ داد: «منظور این است که ایشان شکافنده علوم بود و آنچه برای مردم پوشیده بود، آشکار می کرد.» حتی سرسخت ترین دشمنان آن حضرت، چون ابن حجر هیثمی در کتاب «الصواعق المحرقة» به این مقام علمی اشاره می کند و می نویسد: «به دلیل اینکه ایشان علم به ماکان و آنچه در آینده است، دارد.»

ائمه ما انگشتی در دست داشتند که شعاری روی آن نوشته شده بود و این خود نوعی مبارزه به شمار می آمد. امام باقر(ع) نیز انگشت جانشان، امام حسین(ع) را به دست می کردند که شعار آن «إن الله بالغ أمره» یا «العزة لله جميعاً» بود. این دو شعار با یکدیگر منافاتی ندارند.

ایکنا - چه زمینه ها و مقدماتی برای درک بهتر جایگاه امام باقر(ع) باید در نظر گرفت؟

پیش از پرداختن به زندگی امام پنجم، نیازمند بررسی چند مقدمه هستیم؛ نخست اینکه باید بدانیم جایگاه امامت چیست و امام معصوم چگونه تعیین می شود؟ به استناد آیات قرآن و احادیث متواتر، در ماجرای غدیر خم، مسیر رهبری پس از رحلت پیامبر اکرم(ص) مشخص شد و اولین امام در این مسیر، حضرت امیرالمؤمنین(ع) بود؛ بنابراین تعیین امام، امری تنصیصی است؛ یعنی از سوی خداوند نصب می شود، نه اینکه با رأی مردم، فرزندم یا سازوکارهای حزبی انتخاب شود. در همان غدیر، این کانون ۱۲ نفره مشخص شد و جامعه آن روز و شیعیان می دانستند امام پنجم چه کسی است.

دوم آنکه از پیامبر(ص) تا امام دوازدهم، همگی «کلمه نور واحد» هستند؛ یعنی مسیر، روش و هدایت آن ها یکسان، اما تفاوت زمان و مکان باعث تفاوت در نحوه بروز این هدایت شده است.

سوم اینکه باید دانست پس از رحلت پیامبر(ص)، دو جریان سیاسی و اجتماعی شکل گرفت؛ یکی جریان غدیر و پیروان آن و دیگری مولودهای سقیفه بنی ساعده که تصمیم گرفتند رهبری جامعه را خودشان برعهده بگیرند. از اینجا بود که نقطه مقابل جریان غدیر شکل گرفت و همین منشأ شهادت ائمه(ع) شد. این نکته ای است که باید برای نسل امروز تبیین شود.

چهارم اینکه امام باقر(ع) ادامه دهنده راه پدر بزرگوارشان، امام سجاد(ع) بود؛ اما ادامه دهنده به چه معنا؟ پس از واقعه عاشورا و خفقان شدید، امام سجاد(ع) با تاکتیکی نوین، بدون دخالت مستقیم در حکومت، اسلام ناب محمدی را حفظ و منتقل کرد. ایشان با دعا، آزادکردن بردگان، تفسیر قرآن و روشنگری، اسلام را از گردنه انحراف عبور داد. در همین مسیر بود که امام سجاد(ع) فرمود: «در سراسر حجاز و عراق، بیش از ۲۰ یار نداریم.»
ایکنا - امام باقر(ع) در دوران امامت خود چه اقدامات علمی و فرهنگی برجسته ای انجام داد؟

پس از شهادت امام سجاد(ع)، امامت به امام باقر(ع) منتقل شد. شرایط اجتماعی به گونه ای بود که با وجود خفقان، مکتب اهل بیت(ع) باقی مانده بود. حاکمان اموی سرگرم مسائلی بودند و این فرصتی برای امام باقر(ع) محسوب می شد. مردم از حجاز، عراق، خراسان و دیگر مناطق به مسجدالنبی می آمدند تا از امام، احکام دینی بپرسند. این نشان می دهد که امامان ما با وجود همه فشارها، عملکرد مؤثری داشته اند. در این شرایط، مرجعیت علمی و سیاسی امام با تائیدهای گوناگون وارد جامعه شد؛ مبارزه با انحرافات، تشکیل حلقه های عظیم علمی، سامان دهی شاگردان و ارسال آنان به نقاط گوناگون.

با این مقدمات، به دو نکته مهم از زندگی امام باقر(ع) می پردازیم: نخست، زمانی که ایشان به امامت رسید و به صورت علنی با انحرافات دینی و سیاسی مقابله کرد؛ اگر این مبارزه انجام نمی شد، امروز معلوم نبود چه برداشتی از اسلام باقی می ماند.

دوم، تشکیل گروهی اعتقادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی بود. امام باقر(ع) شاگردانی از اقوام، سرزمین ها و موقعیت های گوناگون تربیت کرد که علوم را آموختند و به اطراف و اکناف نشر دادند. از منظر سیاسی، امام توانست تشکلی قوی ایجاد کند که آثار آن را حتی در مناطق خارج از حجاز و عراق، یعنی در عراق عجم نیز می توان دید.
ایکنا - در برابر تحریفات دینی، امام باقر(ع) چه موضع گیری هایی داشت و چه نقشی در نجات اسلام ایفا کرد؟

ایشان از یک سو با شاخه هایی از بنی ساعده مواجه بود که خود را جانشین پیامبر(ص) معرفی می کردند. عوامی که فاقد بصیرت بودند، فریب این چهره ها را می خوردند. این حاکمان با تحریف دین، آیات قرآن را به نفع خود تفسیر می کردند، از جمله آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ...» (نساء/ ۵۹) در حالی که این آیه حاکمیت را از آن خدا، پیامبر(ص) و اولی الامر (امامان معصوم) می داند، آن ها آن را به سود خلفای خودخوانده تفسیر می کردند.

امام باقر(ع) در برابر این تحریفات و جهل مردم ایستاد. ایشان جهاد را نه به صورت مسلحانه، بلکه به شیوه ای علمی پیش برد؛ حتی برادرشان زید بن علی بن الحسین(ع) را از قیام مسلحانه بازداشت.

کار دیگر امام، تربیت شاگردان بود. محمد بن مسلم ۷۰ هزار حدیث و جابر بن یزید جعفی ۳۰ هزار حدیث از ایشان نقل کرده اند. اینان فقط دو نفر از شاگردان امام هستند. گفته شده تعداد شاگردان مستقیم ایشان ۴۶۲ نفر بوده است. تصور کنید چه فرهنگ علمی عظیمی در مسجد مدینه شکل گرفته بود. شهرت علمی امام به حدی رسید که حتی مخالفان نیز نزد ایشان حاضر می شدند و زانوی شاگردی می زدند. طبق روایات، اگر علم ۷۳ جزء دارد، به جز یک بخش، ۷۲ جزء آن نزد پیامبر(ص) بود که آن را به امیرالمؤمنین(ع) سپرد. امیرالمؤمنین(ع) نیز این علم را به فرزندان خود منتقل کرد.

امام باقر(ع) شاگردانی تربیت کرد که به نقاط گوناگون، از جمله عراق عجم (شامل مناطق یزد، اصفهان، کاشان، قم تا کرمانشاه) اعزام و این سرزمین ها از فیض این مکتب بهره مند شدند. ایشان حتی در کوران حوادث، شاگردان خود را حفظ می کرد. چنانکه نقل است، نعمان بن بشیر می گوید: «من همراه جابر بن یزید جعفی بودم که به کوفه می رفت. نامه ای از امام به دستش رسید. پس از خواندن، رنگ از چهره اش پرید. روز بعد، دیدم خود را به دیوانگی زده، چند استخوان به گردن بسته و کودکان به دنبالش می دویدند. نامه ای از مرکز به کوفه رسید که دستور گردن زدن جابر را داده بود؛ اما چون گزارش رسید که دیوانه است، از اعدام او صرف نظر کردند. این همان نقشه نجاتی بود که امام برای او در نامه اش نوشته بود.»

با این حضور فعال امام پنجم، عرصه بر دشمنان تنگ شد و آن ها دیگر توان تحمل موقعیت ایشان را نداشتند؛ بنابراین امام را به شام فراخواندند. امام صادق(ع) می فرماید: «من نیز همراه پدرم بودم.» آن حضرت وقتی وارد شام شد، انقلاب فکری و معنوی

جدیدی شکل گرفت و هشام بن عبدالملک رسوا شد؛ از این رو، دستور زندانی کردن امام را صادر کرد؛ اما همان زندانیان نیز از ارادتمندان امام شدند و نهایتاً امام باقر(ع) را به مدینه بازگرداندند.

زهراسادات محمدی